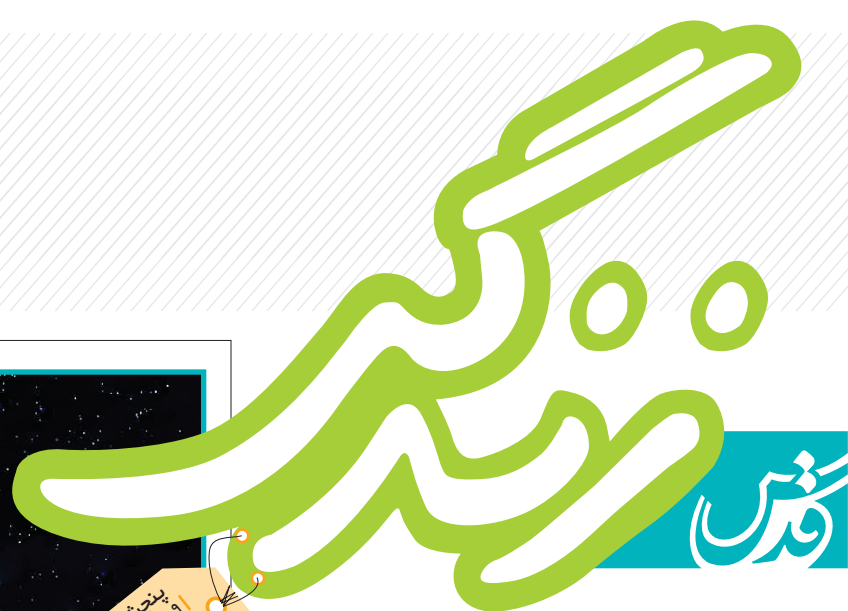




نگار

روزمره نگاری

پیداکن

رقیه توسلی: می‌روم سراغ دکمه. توی سَرم، شاسی زردتنگی هست که خیلی روزها سرافش را می‌گیرم. به‌خصوص آن‌وقت‌ها که غصه دارم و می‌خواهم حافظه‌ام بشود عین سر سیخ. فشارش می‌دهم چندین دفعه؛ مثل پاک‌کن عمل می‌کند.

درددل غیبت‌بار خانوم همسایه از واحد شارژ نبرداز پاک می‌شود؛ دندان درده مادری که ماسک دختر کلانش را بی‌خیال پرت می‌کند گوشه خیابان؛ هق هق گلی جان پای تلفن وقتی اسکیت سواری و بستنی ایتالیایی می‌خواهد و نمی‌شود؛ بی‌عقلی آقایی که با صدای ولوم ۱۰۰ حدود یک‌ساعت با دوستش خاطره بازی می‌کند زیر آپارتمان بخت برگشته‌مان؛ آن قسمت از یادداشتی که دوزاری‌ام را می‌اندازد پرده معناد هم داریم؛ بعلاوه استوری که تویش می‌خوانم کرونا در آستانه دنده عقب است.

تبدیل می‌شوم به آدم آرام‌تری. شکل آنکه در زمان سفر کرده و حالا فقط دارد گردوغبارها را می‌تکاند از روی لباسش. شکل آقاسیدمیرزا.

رازی در کار نیست. شاسی زردتنگ فقط یک شاسی زردتنگ است و بلندقبال

کسی است که این موضوع را البته زود کشفش کند.

یاداش بخیر! یادم می‌آید خیلی اتفاقی یک‌روز فهمیدم که ای جان غافل! شاسی زردتنگی هم وجود دارد که از آن بی‌خبرم... همان‌روز که از خانه زدم بیرون و دیدم چند تکه ابر جلو خورشید را گرفته‌اند... همان‌روز که رفته بودم برای ناهار سیب‌زمینی بخرم و اتفاقاً پلاستیک به‌دست و یک لنگه پا، ۱۰ دقیقه را کشتم اما صاحب چرخ، پشت دخلش نبود که نبود... همان‌روز که خدا جواب صبورِی‌ام را داد و آقاسیدمیرزا را عذرخواه و گشاده‌رو و خمیده دیدم که از سیاهی مغازه ظاهر شد... همان‌روز که گفت: چون اهل سکوتی نه‌ اعتراض، می‌خواهم پدربزرگانه هدیه‌ای تقدیم کنم دخترم... همان‌روز که وقت برگشتن فهمیدم هیچ کسی اتفاقی وارد زندگی آدم نمی‌شود، هیچ دردی، هیچ شادی، هیچ هدیه‌ای... همان‌روز که آقاسیدمیرزا یادم داد «دعا» آب روی آتش است. سرد و خنک می‌کند. فقط مسلمان باید کاشف هم باشد ببیند جوشن کبیر سریع‌تر درمانش می‌کند یا جامعه کبیره یا مجبر یا توسل یا امین‌الله یای...

از کشف من سسالی‌ها می‌گذرد. از شاسی زردتنگ جوشن کبیر. از مهربانی آقاسیدمیرزا سیب‌زمینی فروش که نامش در تمام ده‌هایم محفوظ است. پنجشنبه‌نوشت: درِ قفس پرند‌ها همیشه بسته نیست. این را همه بالدارها نمی‌دانند!

هفت‌نوا

کتاب و چلوکباب!

جمعه: هنوز درگیر بیماری هستم. واقعاً نمی‌دانم کرونا گرفت، یا نه. فرصت قرنطینه سبب شده است کتاب‌های عقب‌مانده‌ام را مطالعه کنم. جذابیت بعضی کتاب‌ها این‌قدر زیاد هست که به حال زار و نزار هم می‌توان آن‌ها را توروک کرد. در این چند روز کتاب‌های سعید تشکری رفیق و همراه بودند و دل و جانم با یاد امام (رضاع) جلا پیدا کرد.

شنبه: برادر کوچکم از طریق پسرخاله‌اش کتاب «شاهرخ» را از مقر کتاب امانت گرفته است. دو روزه نمانش می‌کند و به من توصیه می‌کند که از این به بعد برایش کتاب نخرم! علت را که می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: «کتاب وقتی امانت باشه، باید سریع برگردونی برای همین مجبور میشی زود بخونیش! ولی کتاب که برای خودت باشه هی میندازی پشت گوش! تازه از لحاظ اقتصادی به صرفه‌تر هم هست!»

یکشنبه: امروز روز دوازدهمی هست که قرنطینه‌ام! حال و روزم خیلی بهتر شده بود که خبر فوت یکی از دوستانم را در گروه تلگرامی دیدم. وضع از آنچه بود بد و بدتر شد و فشارم افتاد و زیر سَرم رفتم. ای‌کاش هیچ‌وقت فضای مجازی درست نشده بود!

دوشنبه: این دو هفته از پشت در اتاقم گفت‌وگوهای خوبی با برادر کوچکم داشتم. امروز ازش پرسیدم: «چرا کتاب عمارحلب رو که این‌قدر اصرار داشتی برات بخرم نمومش نمی‌کنی؟! به‌خاطر اینکه امانتی نیست؟ می‌خواهی برات مهلت مطالعه بذارم؟» جواب داد: «نه! این یک دلیل دیگه داره. این کتاب مثل کتاب گردان قاطرچی‌هاست... بعضی کتاب‌ها هستن که اگه تمومشون کنی پشیمون می‌شی. دوست داری کم‌کم بخونی تا تموم شه. مثل چلوکبابه که دوست نداری تموم شه!»

سه‌شنبه: با بچه‌های نشر سستاره‌ها طرح «مثل آوینی به روایت تو» جهت جمع‌آوری خاطرات از جهاد عمومی مبارزه با کرونا را راه‌اندازی کرده‌ایم.

دبیری و داری یادداشت‌ها را نیز استاد تشکری بر عهده گرفته‌اند. دوستی امروز به من دایرکت زد: «طرح‌تون خیلی خوبه فقط اینکه مگه استاد تشکری از کسی هم تقدیر می‌کنه! خیلی ایشون سختگیرن!» جواب دادم: «اول قشنگی کار به همین! دوم قرار نیست استاد آثار ادبی فاخر نویسندگان مطرح کشوری را دآوری کنند که این‌قدر سخت بگیرند. فعلاً در این فراخوان نوع و انتخاب سوژه مهم‌تر است از قلم‌فرسایی! پس زیاد خودتون درگیر قلم نکن!»

چهارشنبه: امروز با مجوز از قرنطینه خارج شدم و الحمدلله کرونا هم نداشت. اسنپ گرفتم تا به دیدار یکی از دوستانم بروم. وقتی به مقصد رسیدم راننده اسنپ ازم خواست سفر را لغو کنم. وقتی علت را جویا شدم، گفت: «می‌خواه کارمزد برای اسنپ نره!» جواب دادم: «برات بد میشه‌ها!» شانه‌ای که لای انداخت که هیچی نمیشه. منم دلم براش سوخت و سفر را لغو کردم ولی یک روز بعدش عذاب وجدان گرفتم و اتفاق دیروز را به پشتیبانی اسنپ توضیح دادم و ازشان خواستم کارمزد را خودم حساب کنم.

ولی راضی نشدند و اذعان داشتند: «فقط شما نیستید و باید گزارش سفرتان را بدهید تا پیگیری کنیم». قانع شدم و مجبور شدم راننده را لو بدهم!

روایت اول

پرس‌تی‌وی، العالم و آی فیلم در آستانه تعطیلی

امجد تربت‌زاده: شبکه‌های برون مرزی صداوسیما یکی پس از دیگری از دسترس خارج می‌شوند. همین چند روز پیش بود که خبر قطع شبکه «الکوت» به دلیل آنباشت بدهی در فضای مجازی سرصدا به راه انداخت. کاربران، مسئولان را مقصر اصلی قطع این شبکه می‌دانستند و از آن‌ها می‌خواستند هرچه سریع‌تر نسبت به برقراری مجدد آن اقدام کنند. پس از این ماجرا اما شبکه سحر اردو در منطقه شبه قاره هم از دسترس خارج شد. این پایان کار نبود و مسئولان روز گذشته اعلام کردند رادیو دری ایران در افغانستان هم قطع شده است.

بر اساس گفته‌های مسئولان مرتبط، رله‌های رادیو دری کشورمان که در افغانستان پخش می‌شد، قطع شده و علت آن هم آنباشت بدهی است که به ایستگاه‌های پخش رله داشته‌ایم. از قرار معلوم مدت زیادی است که درخواست پرداخت و اختار قطع به مسئولان رسیده بوده اما به دلیل اینکه بودجه‌ای برای پرداخت وجود نداشته، رادیو دری پس از حدود ۴۰ سال فعالیت در کابل و برخی ایالت‌های دیگر افغانستان قطع شده است.

سابقه رادیو دری برمی‌گردد به حدود ۴۰ سال پیش. به همین خاطر یکی از پرمخاطب‌ترین شبکه‌های رادیویی در افغانستان به شمار می‌آید که در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فعالیت می‌کند.

مسئولان می‌گویند به دلیل کمبود شبکه‌های رادیویی قدرتمند در افغانستان، بسیاری از اهالی این کشور طرفدار پروپاقرص رادیو دری بودند که این روزها از دسترس خارج شده است.

«پیمان جلی» معاون برون مرزی صداوسیما دراین‌باره گفته است: «از دست دادن این رادیو و موج افتادن آن که مهم‌ترین بستر پخش بوده، یک ضربه بزرگ به تبلیغات بین‌المللی کشور ما می‌زند. به‌خصوص کشور افغانستان که از مهم‌ترین حوزه‌های همسایگی ما محسوب می‌شود و مسائل متعدد فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و... ضرورت را در اختیار ما می‌داند. این کشور با وجود آن که از دست دادن این رادیو یعنی یک اتفاق بسیار بد که پس از قطع شبکه الکوت در منطقه عربی و شبکه سحر اردو در منطقه شبه قاره، سومین ضربه کاری بر بنیه تبلیغات جمهوری اسلامی در خارج از کشور است.»

این اما پایان مشکلات صداوسیمای برون مرزی نیست و براساس گفته کارشناسان، در روزها یا در نهایت هفته‌های آینده، پرمخاطب‌ترین شبکه‌های برون مرزی ما یعنی پرس‌تی‌وی و آی فیلم انگلیسی و عربی هم از دسترس خارج خواهند شد و تمام این موارد برمی‌گردد به عدم تخصیص بودجه و اعتبار ارزی به این شبکه‌ها.

مسئولان شبکه‌های برون مرزی، تصمیمات را می‌اندازند به گردن مسئولان تأمین ارز و بودجه صداوسیما و حتی احتمال عمدی بودن این ماجرا را هم مطرح می‌کنند. معاون بروز مرزی صداوسیما در این‌باره می‌گوید: «من متأسفم که ظاهراً در کشور مسئولان و نهادهایی که مسئول تأمین بودجه صداوسیما و به‌ویژه مسئول تأمین ارزی صداوسیما هستند، یا متوجه فجایی که اتفاق می‌افتد، نیستند یا برایشان اهمیت ندارد. ما فکر می‌کردیم پس از عملی شدن قطع شبکه الکوت، توجهی به این مشکل شود، اما متأسفانه مسئولان تا کنون هیچ توجهی

نگاهی به ورود بازیگران مجازی به دنیای فیلم‌ها و تبعات آن

روبات‌ها وارد می‌شوند!

از قطع شبکه‌های برون مرزی صداوسیما
تامصاحبه جنجالی «فرشته حسینی»

وقتی سنگرها خالی می‌شوند



پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۹
سال سی و سوم
شماره ۹۷۶۹
ZANDDEGI@QUTDSO.NLINE.IR

نداشته‌اند و آن شبیه‌ای که در ذهن ما بود که چه بسا این بی‌توجهی تعمدی باشد و شائبه اینکه اهداف دیگری در نظر هست که با قطع شبکه‌های بین‌المللی بر سازمان صداوسیما فشار وارد شود، روز به روز در حال پررنگ‌تر شدن است.»

از آن طرف اما مسئولان هم توپ را می‌اندازند در زمین خود صداوسیمای‌ها. مثلاً رئیس امور هماهنگی و تلفیق بودجه سازمان برنامه و بودجه می‌گوید ارز موجود در صندوق توسعه ملی بین ژاپن یا یون چین و رومیه هند یا ایتال آن است، اما صدا و سیما مثلاً دلار و یا یورو می‌خواهد!

معاون برون مرزی صداوسیما درباره این موضوع هم گفته است: «خبر. باوجود پیگیری‌های بسیار جدی که سازمان صداوسیما برای دریافت سهمیه ارزی خود در طول این پنج ماه اخیر انجام داده، متأسفانه حتی یک دلار، یک یورو، یک درهم، یک دینار و... ارز بابت آن سهمیه و بابت گردش کاری که تمام مراحل قانونی آن هم انجام شده، به صداوسیما داده نشده است.»

درحال حاضر کمیته‌ی هم در فضای مجازی راه افتاده که از مسئولان درخواست می‌کند جلو قطع آی‌فیلم و پرس‌تی‌وی را در روزهای آینده بگیرند و مقدمات بازگشت شبکه‌های قطع شده را هم فراهم کنند. مسئولان اما هنوز پاسخ روشنی به درخواست کاربران و حاشیه‌های قطع شبکه‌های بین‌المللی صداوسیما نشان ندادند و باید منتظر به‌نامیم تا ببینیم واکنشان به بالا گرفتن موج انتقاد در این‌باره چیست.

روایت دوم

ایرانی‌ها من را تشویق می‌کردند

هرچند مدت زیادی از ماجرای غرق شدن چند تنبه افغانستان در آب‌های کشورمان می‌گذرد اما این ماجرا همچنان یکی از سوزنده‌های داغ فضای مجازی به‌حساب می‌آید. به‌خصوص پس از بالا گرفتن تب اعتراض‌های مردمی علیه ژادپرستی در آمریکا، بسیاری از شبکه‌های آن‌طرف آبی و فعالان مجازی وابسته به جریان‌های سیاسی خارجی، شروع به مقایسه تبعیض‌نژادی در آمریکا، با تبعیض‌نژادی علیه افغانستانی‌ها در ایران کردند. در میان تمام واکنش‌های جورواجور درباره این ماجرا، اما چند روزی است که مصاحبه یک بازیگر افغانستانی که در سینمای ایران مشغول به کار است، سوزه فضای مجازی شده است.

فرشته حسینی، بازیگر افغانستانی‌ال‌اصل که در سینمای ایران در حال تبدیل شدن به یک ستاره است، در گفت‌وگویی با تلویزیون طلوع افغانستان از رفتار جامعه هنری ایران با خود تعریف و تمجید کرد. او در این گفت‌وگو عنوان کرده «در عالم هنر در ایران یک روز یادم نمی‌آید که تحقیر شده باشم.»

فرشته حسینی در این مصاحبه، دربرابر سؤال سلطنت‌آمیز مجری تلویزیون طلوع که از او درباره تجربه‌اش از تحقیر شدن در ایران پرسید، گفت: «شاید باورتان نشود در زمانی که در فیلم سینمایی کار می‌کردم هموطنان افغانستانی مرا به دلیل اینکه یک دختر هستم تحقیر می‌کردند، اما از زمانی که در ایران فعالیت هنری دارم یک روز هم تحقیر نشدم. کارگران‌ها و بازیگران ایرانی مرا تشویق می‌کردند.» البته حسینی این را هم گفت که در ایران سختی هم کشیده و گاهی تحقیر هم شده است.

این پاسخ فرشته حسینی به مجری تلویزیون افغانستان

به مذاق ایرانیان بسیار خوش آمده و کاربران زیادی ویدئو حرف‌های او را منتشر و از او قدردانی کردند.

صحبت‌های فرشته حسینی به این خاطر مورد توجه کاربران قرار گرفته که در روزهای اخیر همه‌های زیادی به نوع بر خورد ایرانیان با شهروندان افغانستان در فضای مجازی وارد شده است. خیلی‌ها حالا می‌گویند صحبت‌های فرشته حسینی کاملاً واقع‌گرایانه بوده، خانم بازیگر در مقابل آنکه اعتراف می‌کند مورد لطف قشر وسیعی از ایرانیان قرار گرفته، همزمان توسط گروه‌های خاصی هم تحقیر شده است.

درحال حاضر تعریف و تمجیدها از فرشته حسینی بابت مصاحبه اخیرش، به سایر جبهه‌گیری‌ها می‌چرید. کاربری نوشته است: «صحبت‌های فرشته حسینی صرفاً پاسخی به مجری رند این برنامه نیست، پاسخی به تمام تفرقه‌افکنان میان او دو ملت است. پاسخی به نماینده تازه به صندلی رسیده افغانستان و گماشته آمریکاست. نماینده‌ای که در سخنرانی‌های ابتدایی، فارسی را با لهجه تهرانی صحبت می‌کرد!»

بسیاری از فعالان توییتری هم موضع حسینی را نوشته است: «فرشته‌انه» از زبانی کرده‌اند. یکی از افرادی که حرف‌های او را تأیید کرده، نوشته است: «چرا وقتی افراد شناخته شده ایرانی و افغانستانی بر دوستی دو ملت تأکید دارند، گروهی بر طبل نفاق و دشمنی دو ملت می‌کوبند به‌خصوص از لندن و بی‌بی‌سی.»

از آن طرف اما برخی از بدبین‌های مجازی هم معتقدند حرف‌های او ظاهری بسود، چرا که در ایران کار و زندگی می‌کند. کاربری نوشته است: «مجرى نه لوس بود و نه از خود خد را. توقع دارید فرشته حسینی از ایران و برخورد ایرانی‌ها بد بگه؟! درحالی که در این کشور داره تبدیل به یک سوپر استار می‌شه.»

کاربر دیگری هم نوشته است: «ها منکر برخورد خوبی که به پخش بزگی از افغانستانی‌های تحصیلکرده و هنرمند صورت می‌گیره نیستیم، بحث بر سر نگاه بخش خاصی از جامعه به قشر ضعیف‌تری از افغانستانی‌هاست که اغلب همراه با توهین و تحقیر.»

یکی دیگر از منتقدان صحبت‌های فرشته حسینی هم نوشته است: «وقتی یک هنرمند یا یک دانشمند ایرانی هم به غرب سفر می‌کنه مورد استقبال قرار می‌گیره، اما انتقادی درباره نحوه برخورد با برخی از مهاجران افغانستانی داشته، اما او در گفت‌وگو با شبکه طلوع هم شرایط سخت این مهاجران را رد نکرد.»

مصاحبه فرشته حسینی در میان کاربران افغانستانی هم سروصدای زیادی به راه انداخته است. در میان انبوهی از پسندها و توییت‌های منتشر شده در این زمینه، هم محتوای انتقادی به چشم می‌خورد هم تعریف و تمجید از خانم بازیگر. بسا این حال موضع‌گیری واقع‌بینانه و صحبت‌های بدون روتوش فرشته حسینی در شبکه طلوع، علاوه بر زیر سؤال بردن ادعای شبکه‌های آن‌طرف آبی، واقعیت را از زبان یک مهاجر افغانستانی روشن کرده و به حواشی این روزهای فضای مجازی درباره بدررفتاری با شهروندان افغانستان پایان داده است.

مجازآباد

افول سرمایه‌داری

حسن عابدینی، تحلیلگر مسائل سیاسی، در جدیدترین پست منتشر شده خود در توییتر به ناکارآمدی دولت آمریکا در مقابل تظاهرات ضد نظام سیاسی مردمی و شیوع ویروس کرونا در آمریکا اشاره کرد. این تحلیلگر مسائل سیاسی در توییتر نوشت: «کرونا، ناکارآمدی حکمرانی آمریکا را به نمایش گذاشت، اما تظاهرات عدالت‌خواهی، نظام سیاسی و اجتماعی را به چالش کشید. کرونا آمریکا را دچار بحران هویت و اعتراضات، گرفتار بحران مشروعیت کرد. ناقوس افول نظام سرمایه سالار به‌گوش می‌رسد، یا پایان تاریخ فوکویاما یا سرکوب محقق می‌شود؟»

استقبال از ورود سپاه به صنعت خودروسازی

چندی پیش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد به طور رسمی قصد ورود به عرصه خودروسازی کشور را داشته و می‌خواهد تجربیات متخصصان حوزه هوا و فضا را در اختیار خودروسازان کشور قرار دهد. کاربران فضای مجازی هم با داغ کردن هشتگ #سپاه از این اقدام حمایت کردند. کاربری در این‌باره نوشته است: «به‌اینکه مسئولان دولتی چقدر کم‌کاری کردن که سپاه برای حل قضیه ورود کرده کاری ندارم، اما امیدوارم واقعاً بتونه تعمیر مثبتی ایجاد کنه، کما اینکه تو هرجایی ورود کرده گل کاشته.» کاربر دیگری هم نوشته است: «باید این موضوع ورود سپاه به خودروسازی مطالبه عموم مردم ایران بشه و برای انجام کار قوی بشه و گرنه با هجمه ضدفرهنگی دشمنان بیرونی و درونی بهترین تولیدات هم باعث نارضایتی خواهد شد.»

نخستین گام برای اصلاحات مجلس

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی در جدیدترین پست توییتری‌اش خواستار تغییر در آیین‌نامه مجلس شد و نخستین گام برای این اصلاحات را طرح شفاف‌سازی آرای نمایندگان خانه دانست. نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی در حساب توییتری خود نوشت: «گر آرا شفاف بود شاید نتیجه اعتبارنامه‌ها متفاوت می‌بود. شفاف کردن از اولین قدم برای اصلاح مجلس و اجرای بند ۱۳ سیاست‌های کلی انتخابات است.»

این مرد «محمود موسوی» نیست

روز گذشته غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه از صدور حکم اعدام برای «سید محمود موسوی مجد» جاسوس سیا و موساد که اطلاعات محل‌های تردد و استقرار سپید سلیمانی را در اختیار دشمن قرار داده بود، خبر داد. پس از انتشار این خبر، تصویری از یکی از رزمندگان حشدالشعبی و از نیروهای مخصوص دفتر شهید ابومهدی المهندس در فضای مجازی به عنوان تصویر این جاسوس دستگیر شده منتشر شد. این در حالی بود که تصویر منتشر شده متعلق به رزمند‌های با نام «کرار» بود که یکی از رزمندگان خوب حشدالشعبی به شمار می‌رود.



